

همایش روز جهانی فلسفه؛ «دیگری»

۲۵ آبان ماه ۱۴۰۰

لودیگ ویتگنشتاین و دونالد دیویدسون در باب دیگری

علی حسینیخانی

گروه مطالعات علم، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

HosseinKhani@irip.ac.ir

چکیده: آموزه عمومی یا اجتماعی بودن زبان، خصوصاً پس از انتشار کتاب پژوهش‌های فلسفی ویتگنشتاین و استدلال معروف وی علیه زبان خصوصی، بطور گسترده‌ای در فلسفه تحلیلی معاصر مورد پذیرش قرار گرفت. اکثر قریب به اتفاق فلاسفه برجسته در این سنت فلسفی به چنین آموزه‌ای معتقد بوده‌اند، فلاسفه‌ای همچون پاول گرایس، ویلارد کواین، دیوید لوئیس، هیلاری پاتنم، مایکل دامت، سول کریپکی و دونالد دیویدسون، هرچند هر یک از آنها صورتبندی و تفسیری مخصوص به خود از این آموزه ویتگنشتاینی داشته‌اند. بر اساس خوانش استاندارد از ویتگنشتاین، زبان خصوصی ناممکن است چون منجر به بروز تناقض می‌شود: برای شخصی مطرود/گوینده منفرد که در زندگی خود هیچ ارتباطی با گویندگان دیگر نداشته است و بر اساس فرض، زبانی برای خود ساخته است، هیچ معیاری وجود نخواهد داشت که بر اساس آن بتوان سنجد که آیا عبارات وی معنادار هستند یا نه. هر کاربردی که این فرد از عبارات زبان فرضی خود داشته باشد هم درست است هم نادرست، چرا که هیچ تمایز عینی‌ای میان آنچه که صرفاً به نظر وی درست می‌رسد و آنچه بواقع و مستقل از وی درست است وجود نخواهد داشت. دیویدسون خوانشی مخصوص به خود از این آموزه دارد. وی یک برون‌گرا در باب معانی و حالات ذهنی است، دیدگاهی که بر اساس آن، اشیاء و اموری که علت واکنش‌های زبانی یک شخص هستند، معانی آن واکنش‌ها را نیز متعین می‌سازند. بنابراین، استدلال زبان خصوصی برای دیویدسون تبدیل به این استدلال می‌شود که ممکن نیست فردی که دارای هیچ ارتباط زبانی با افراد دیگر نبوده است بتواند علت واکنش‌ها یا عبارات زبانی خود را تعیین کند و بنابراین، عبارات وی تهی از معنا خواهد بود. راه‌حلی که ویتگنشتاین برای برون رفت از این مشکل در سر داشت این بود که باید بتوان شخص را عضوی از یک جامعه بزرگ زبانی در نظر گرفت که اعضای آن دارای واکنش‌هایی مشابه به هم هستند. همانند قبل، خوانش دیویدسون از این راه‌حل ویتگنشتاینی نیز متفاوت است. در نگاه دیویدسون، باید لااقل یک شخص دیگری وجود داشته باشد که گوینده مورد نظر بتواند با آن فرد ارتباط زبانی برقرار کند و درستی واکنش‌های خود را در نسبت به واکنش‌های وی بسنجد. تنها در این صورت است که زبان، معانی و اندیشه اساساً قابلیت بروز خواهند داشت. این استدلال، به استدلال «مثلث‌بندی» نیز معروف است. در این جلسه، استدلال دیویدسون و خوانش منحصر بفرد وی از ویتگنشتاین را معرفی خواهیم کرد.

World Philosophy Day; “The Other”

16 November 2021

Ludwig Wittgenstein and Donald Davidson on the Second Person

Ali Hossein Khani

Department of Science Studies, Iranian Institute of Philosophy

HosseinKhani@irip.ac.ir

Abstract: The reception of Wittgenstein’s argument against Private Language is plainly extensive in the contemporary analytical philosophy. Most of the prominent philosophers in analytic tradition have conceded in one way or another the publicity of language thesis, such as Paul Grice, W. V. Quine, David Lewis, Hilary Putnam, Michael Dummett, Saul Kripke and Donald Davidson, though they have had their own interpretation of Wittgenstein’s doctrines. According to the standard reading of Wittgenstein, a private language is impossible because it leads to a paradox: For a solitary speaker, whatever that seems right to her is right and there is thereby no objective, or at least intersubjective, criterion on the basis of which it can be determined whether the use the speaker makes of her words accords with what she meant in the past. Any use she makes of her words is both correct and incorrect at the same time. Thus the paradox. Davidson’s reading of this argument is different. He is an externalist about meaning and mental content, according to which the typical causes of a person’s verbal responses contribute to the determination of the content of those responses. However, for a solitaire, as Davidson argues, the cause of her responses would remain doubly indeterminate. This means that the words she uses would have no meaning whatsoever. Wittgenstein’s general solution was to bring in the notion of a community of speakers, that is, that the speaker’s use of words can be assessed, as correct or incorrect, only when the speaker can be treated as a member of a speech community, the members of which agree in their responses to the world. Others would then be able to judge if the speaker’s responses agree with theirs and thus to treat them as correct. As Davidson interprets this solution, in order for thoughts and language to emerge at all it is both necessary and sufficient that the speaker can linguistically interact with at least another person, though she does not need to mean the same thing by the same words as others do. This argument is also called the “Triangulation Argument”. In this talk, I will explain this argument and Davidson’s unique reading of Wittgenstein’s argument.